

جایگاه فقهی و حقوقی مهریه در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱^۱

عبدالله بهمن پوری^۲

سهیلا جعفرپور^۳

چکیده

لایحه حمایت خانواده در سال ۱۳۸۶ بعد از فراز و نشیب‌های فراوان در سال ۱۳۹۱ به تصویب مجلس رسید. عده‌ای معتقد بودند که این قانون امتیازات بیشتری برای زنان قائل شده است؛ از جمله ماده ۲۲ که در مورد وصول مهریه است، تا حدودی برای آن سقف تعیین کرده است که اگر مهریه زن تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن با توجه به ماده ۳ قانون محکومیت‌های مالی است؛ ولی اگر بیش از این باشد، وصول آن مشروط به ملائت زوج است که زن باید آن را اثبات کند تا بتواند مهریه خود را به طور کامل به دست آورد. البته این گونه نیست که زن نتواند مهریه خود را بگیرد؛ بلکه طبق آنچه در قانون جدید آمده است، به دست آوردن مهریه کامل را برعهده اثبات زوجه قرار داده است. هدف از پژوهش بررسی این موضوع است.

واژگان کلیدی

قانون حمایت خانواده، نکاح، مهریه، ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، ملائت مرد

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۱۵

۲- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی فقه و مبانی اسلامی دانشگاه یاسوج، کهگیلویه بویر احمد، ایران
(نویسنده مسئول)
www.bahmanpouri10@gmail.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج، ایران، کهگیلویه بویر احمد
www.jafarpoursoheila@gmail.com

مقدمه

خانواده قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و زن یکی از عناصر سازنده خانواده است که با حضور وی خانواده تشکیل می‌شود. حقوق زن در خانواده، مربوط به صورتی است که خانواده شکل گرفته است و زن در نقش همسر، مادر و دختر طرف رابطه قواعد قرار می‌گیرد و حتی قانون اساسی در ارتباط با زن ماده‌ای وضع کرده است که نشان می‌دهد که نه تنها قانون اساسی در صدد سلب حقی لازم از حقوق زنان نبوده است، بلکه بر حق زن و استواری روابط خانوادگی تاکید کرده است. قوانین مربوط به خانواده در قوانین مختلف پراکنده بود و قانون خاصی در این مورد وضع نشده بود تا این که برای اولین بار در سال ۱۳۴۶ قانونی با عنوان حمایت خانواده تصویب شد و به نهاد خانواده اختصاص پیدا کرد و بعد از آن در سال ۱۳۵۳ قانونی با همین عنوان جایگزین قانون قبلی شده، قانون قبلی را نسخ کرد و بعد از آن هم قانون ۱۳۸۶ بعد از تغییرات فراوان در سال ۱۳۹۱ تصویب شد. مهریه از جمله حقوق مالی زن محسوب می‌شود که در قانون جدید ماده‌ای در ارتباط با آن تصویب شده است که بحث کردن در مورد آن ضروری است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

مهریه در لغت به معنای صدق زن است/جوهری، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴هـ ج ۵، ص ۱۸۴). مهریه از باب نفع و یاری است؛ به این صورت زمانی که گفته می‌شود: «اعطیتها مهر؛ مهر را به او اعطا کرد» (طریحی، ۱۴۱۶هـ ج ۳، ص ۴۸۵). کلمه مهر در قرآن کریم به کار نرفته است؛ بلکه از واژه‌هایی نظیر نحل، صدق، فریضه و اجر استفاده شده است. مهر کلمه‌ای است عربی و در فارسی آن را کابین گویند، و لغات دیگر مترادف آن در عربی، صدق، نحل و اجر می‌باشد/محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳). مهر، کابین است و آن نقد و جنسی باشد که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقرر کنند. مالی که به واسطه وطی غیر زنایی به عقد مهر داده شود/دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۱۹۳۳). برخی از لغویان، از دو واژه «الحوان» و «الناجفه» نیز در ضمن مفاهیم دال بر مهر و صدق، خصوصاً در جامعه عرب پیش از

اسلام یاد کرده اند؛ هرچند دلالت این دو بر معنای مورد نظر از مهر، غیر مستقیم بوده، به ضمیمه قراین صورت می‌گیرد/اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در تعریف اصطلاحی مهریه در کشف آمده است که مهر قیمت زن در وقت تزویج است(تهانوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۲۱). مهریه به معنای جهاز یا جهیزیه نیز آمده است(باباخانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱). مهریه در کتاب *مصطلحات الفقیه* به این صورت تعریف شده است: آنچه زوج به زوجه با عقد ازدواج می‌پردازد/مشکینی، بی‌تا، ص ۳۴۱). البته ابوحنیفه قرار دادن منافع را در مهر جایز ندانسته و آن را به جای عین روا نمی‌داند/محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۵).

در اصطلاح فقه و قانون مدنی «مهر» عبارت است از مال(یا چیزی که قائم به مال باشد)معینی که از راه‌های متعارف زوج به زوجه به هنگام عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه برزده می‌گیرد/جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۷۰۲). از نظر صاحب *جواهر*، «مهر» هر چیزی است که مسلمان آن را تملیک کند؛ خواه عین باشد یا منفعت، از زمین کشاورزی باشد یا حیوان. و مهر هر آنچه که دو طرف بر آن توافق کنند و آنچه از آن فهمیده می‌شود همین است به نسبت؛ به کثرت و قلت(نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱، ص ۳). این واژه و مرادف‌های آن در ظاهر، شامل مطلق دریافتی زن از سوی شوهر در جریان نکاح اعم از مادی یا معنوی می‌شود/مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، باب ۱۲۷).

فلسفه تشریح مهریه برای زن در اسلام

علت اصلی تعبیه مهریه در اسلام مسائل اقتصادی مهریه نیست؛ نکته قابل توجهی که در اسلام در مهر زن قرار داده شده، روح و فلسفه آن است. از دیدگاه اسلام مهر نه اجرت است، چنانکه برخی پنداشته‌اند، چرا که هر دو از لحاظ جنسی از هم متنعم می‌شوند(زمخشری، ج ۲، ص ۲۵) و نه قیمت زن است؛ چرا که خرید و فروش در میان نیست؛ بلکه نوعی پیشکش، بخشش و هدیه مرد به زن است که از یک سو نشانه صداقت مرد در امر ازدواج و اظهار علاقه او به همسرش به حساب می‌آید که قرآن کریم در آیه «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»(نساء، ۴) از آن تعبیر به نحله و هدیه کرده است. و از سوی دیگر می‌تواند در موارد لازم پشتوانه زندگیش باشد. بنابراین قرآن کریم از یک سو مهر را مخصوص زنان می‌داند

نه اولیای وی و لذا فرمود: «مهریه را به خود زن‌ها بدهید از سوی دیگر محروم کردن زن از مهر و ازدواج او را در عوض ازدواج دیگری قرار دادن را حرام و ناصحیح اعلام فرمود» (لا شغار فی الاسلام) (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۰، باب ۲۷، ص ۳۰۳-۳۰۴). و از جهت آخر مهر را نشانه صداقت و علاقه مرد به زن قرار داد، نه اجرت بضع و ارزش زن به عنوان یک کالای مورد معامله، چنانکه برخی از غربی‌ها پنداشته‌اند (قربانی لاهیجی، بی‌تا، ص ۱۵۰). البته پرداخت مهریه می‌تواند آثار اقتصادی و اجتماعی نیز در پی داشته باشد؛ از جمله این که نوعی جبران نقصان سهم زن از ارث است؛ به عبارت دیگر، حقوق دانان و صاحب نظران، مهریه را پشتوانه مالی زن دانسته و به سبب آن، نقص ارث زن را توجیه کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲ و ۲۵۱).

انواع مهریه از نظر زمانی

مهریه از لحاظ زمان پرداخت بر سه قسم است: ۱- مهر حال مهری که به طور کامل و فوری دریافت می‌شود که به نوعی می‌توان آن را عندالمطالبه نامید؛ ۲- مهر موجل (مدت دار): مهری است که زوج ظرف مدت معینی باید پرداخت نماید؛ ۳- بخشی از مهریه حال و بخشی دیگر موجل قرار داده می‌شود. زن حق دارد تمام مهر را حال قرار داده، از همسرش مطالبه نماید. در این صورت زوجه شرعاً و قانوناً حق مطالبه پس از عقد را دارد و زوج ملزم به پرداخت مهریه است. هم چنین زوجه می‌تواند قبل از دریافت مهریه به طور کامل از تمکین یا تسلیم در برابر زوج و رابطه زناشویی خودداری نماید و تمکین نکند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۹).

در صورتی که مهر مؤجل باشد، زوجه با تأجیل مهریه حق امتناع را از خویش ساقط نموده است و نمی‌تواند از تمکین خودداری کند (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۴۴). صاحب جواهر در این باره فرموده است: وجوب تمکین قبل از حال شدن مهریه بوده است؛ لذا تمکین مقدم بر مهریه می‌باشد (همانجا). مهریه عندالمطالبه به این معنی است که به محض امضای عقدنامه، زن اگر بخواهد می‌تواند با مراجعه به دادگاه‌های خانواده قسمتی از آن را مطالبه کند. عندالاستطاعه یعنی زمانی که زن می‌تواند مهریه خودش را مطالبه کند و مرد را ملزم به پرداخت آن کند که استطاعت پرداخت مهریه را به عهده زوج ببیند، اگر توان پرداخت

نداشته باشد، زن این حق را نخواهد داشت. اگر مهریه عندالمطالبه باشد، مهریه حال است در این صورت: هنگامی که زوج مهریه اش را مطالبه کند زوج توانایی پرداخت آن را دارد و اصطلاحاً «موسر» است در این حالت بر زوج لازم است که دین خود را بپردازد و تأخیر انداختن آن جایز نیست (ابن ادریس، ۱۴۱۰ هـ ص ۳۳).

شی موضوع مهریه

حقوق دانان آثار عقد نکاح را در دو بخش آثار مالی و آثار غیر مالی بررسی می‌کنند؛ مهریه یکی از مهم‌ترین آثار مالی عقد ازدواج است و تکلیفی است که به حکم قانون بر مرد تحمیل می‌شود (صفا، ۱۳۹۰، ص ۲۳). مهریه باید دارای شرایطی باشد و هرگاه یکی از شرایط مذکور موجود نباشد، مهریه باطل خواهد بود، ولی اثری بر وضعیت نکاح نخواهد داشت (بازری فومشی، ۱۳۸۶، ص ۵۷). در ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی آمده است: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود معلوم باشد». این معلوم بودن مهر به معلوم بودن مقدار و جنس و وصف است. همچنین در ماده ۱۰۸۰ آمده است: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است». در قانون مدنی مقداری برای مهرالمسمی معین نشده است و زوجین آزادند و می‌توانند هر مقداری که بخواهند مهر در نکاح قرار دهند. همچنین در صورت مجهول بودن، مالیت نداشتن، یا در صورتی که مهر ملک دیگری باشد، طبق ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی در دو صورت اول و دوم مستحق مهر المثل است و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود؛ مگر این که صاحب مال اجازه نماید (مامی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۸۰-۳۸۱). در اقوال فقها این گونه آمده است: در اسلام گرچه برای مهریه مقدار معین و مشخصی قرار داده نشده بلکه مقدار آن به توافق طرفین واگذار شده است و می‌توان هر چیز حلالی را که دارای ارزش است، کم باشد یا زیاد، جنس و کالا باشد یا پول یا منفعت یا کار و خدمت، مهریه قرار داد؛ ولی قدر مسلم آن است که زن نمی‌تواند بدون مهریه تن به ازدواج دهد و ازدواج زن بدون مهریه تنها از اختصاصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ باب ۲۷ از ابواب عقد النکاح، ج ۲۰، ص ۲۶۴-۲۶۷).

چنان که خداوند در قرآن کریم خطاب به ایشان می‌فرماید: «... هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهریه‌ای برای خود قائل نشود) چنانچه پیامبر بخواهد، می‌تواند با او ازدواج کند؛ ولی چنین ازدواجی تنها برای تو جایز است نه سایر مؤمنان/حزاب، ۳۳). از برخی روایات استفاده می‌شود که مکروه است مقدار مهریه خیلی ناچیز و کمتر از ده درهم باشد که تقریباً معادل یک مثقال طلای شرعی است؛ به گونه‌ای که شباهت به اجرتی پیدا نماید که زنان بدکاره بابت زنا دریافت می‌کنند (حعاملی، ۱۴۰۹هـ باب ۶ از ابواب المهور، ج ۲۱، ص ۱، ص ۲۵۳). مسأله مهریه به قدری اهمیت دارد که اگر مردی قدرت پرداخت چیزی به عنوان مهریه را ندارد، می‌تواند کاری را به عنوان مهریه به عهده بگیرد و برای زن انجام دهد (منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۷، ص ۲۴۹). در خصوص مقدار مهر در فقه امامیه دو نظر وجود دارد؛ بعضی معتقدند که مهر نباید از پانصد درهم، معادل پنجاه دینار، تجاوز نماید (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷) و چنانچه بیش از آن مقرر گردد، به همین مقدار برگشت خواهد کرد. این مقدار را اصطلاحاً «مهر السنه» نامیده‌اند، به آن جهت که رسول الله ﷺ تمامی همسران خویش را به همین مقدار کابین بست (نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۱، ص ۴۷).

با این نظریه گروه کمی موافقند و شگفت آن که سید مرتضی آن را در کتاب *انتصار* از فتاوی و یژه امامیه معرفی کرده و پنداشته است که تمامی فقهای امامیه بر آنند؛ در حالی که مشهور فقها معتقدند که مقدار مهریه از نظر کمی و زیادی محدودیتی ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷). مستند سید مرتضی روایتی است که مشهور آن را رد کرده، با استناد به آیه‌ای از قرآن مجید وجود میزان معین و محدودی را برای حدّ اعلاّی مهر انکار نموده‌اند. آیه مزبور چنین است: *وَأَتَيْتُمُ إِخْوَانَكُمْ قَطْرًا (نساء، ۲۰)*. اکثر مفسران با توجه به کلمه «قنطار» از این آیه استنباط کرده‌اند که طرفین عقد ازدواج طبق تراضی هر مقدار مهر که بخواهند می‌توانند قرار دهند؛ اگرچه مهر کم و مهر السنه که پانصد درهم است، مستحب است و بیشتر از آن مکروه است (طفی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲).

مهریه در قوانین حمایت خانواده

قانون حمایت خانواده که برای بار اول در سال ۱۳۴۶ تصویب شد به علت کم و کاستی‌ها منسوخ گردید و برای بار دوم قانونی با همین عنوان در ۱۳۵۳ تصویب شد و به علت واکنش‌ها نسبت به آن دستخوش تغییراتی قرار گرفت. در سال ۱۳۸۶ لایحه جدیدی تحت همین عنوان به مجلس پیشنهاد شد که سرانجام در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید. در قوانین قبلی ماده‌ای که به طور مستقل به مهریه و مقدار آن پرداخته باشد، وجود ندارد؛ ولی در قانون جدید در ماده ۲۲ آمده است: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است». این ماده قدرت اجرایی ندارد و بیشتر زن‌ها نخواهند توانست مهریه خود را حتی تا سقف ۱۱۰ سکه یا معادل آن وصول کنند؛ زیرا به موجب اصلاحاتی که اخیراً در ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی به وجود آمده است، اصل بر عدم ملائت مالی زوج گذاشته شده است.

طبق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی: «هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می‌نماید در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد». ماده ۱ قانون محکومیت‌های مالی جدید این گونه وضع شده است: «هرکس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هرگاه محکوم به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم له تسلیم می‌شود و در صورتی که رد عین ممکن نباشد یا محکوم به عین معین نباشد، اموال محکوم علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم به یا مثل یا قیمت آن استیفاء می‌شود». نکته‌ای که در ماده ۲۲ وجود دارد این است که چنانچه مهریه بیشتر از ۱۱۰ سکه یا معادل آن باشد، در خصوص مازاد آن فقط

ملائت زوج ملاک پرداخت است. در حقیقت این ماده مهریه را کاهش نداده است فقط ضمانت اجرای مازاد بر مهریه را کاهش داده است با این توضیح که تا مقدار مذکور در ماده ضمانت اجرای احکام مدنی و کیفری داده شده است که اگر مرد از پرداخت آن امتناع کند و در خواست اعسار هم ندهد یا اعسار او رد شود، طبق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی بنا بر درخواست زن حبس می‌شود و نسبت به مازاد ۱۱۰ سکه مذکور فقط می‌توانند با مراجعه به دادگاه و اثبات ملائت زوج حق خود را استیفا کنند. باید توجه داشت که ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی که در این ماده آمده، ناظر به مورد غالب است و موضوعیت ندارد و به همین دلیل معادل آن به ریال یا پول دیگر هم مشمول ماده مزبور می‌باشد.

مهریه در ماده ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده ۱۳۹۱

همان گونه که گفته شد، در این ماده تا حدودی برای مهریه سقفی مشخص شده است؛ البته می‌توان اضافه کرد که میزان مهریه را محدود نکرده است و فقط ضمانت اجرای مهریه مازاد بر ۱۱۰ سکه را کاهش داده است. با این توضیح تا ۱۱۰ سکه ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای مهر مقرر شده است. ضمانت اجرای کیفری مهر مذکور آن است که اگر مرد از پرداخت آن امتناع کند و دادخواست اعسار هم ندهد یا ادعای اعسار او رد شود، برابر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، به تقاضای زن تا زمان تأدیه، حبس می‌شود. اما نسبت به مازاد بر ۱۱۰ سکه ظاهراً ضمانت اجرای کیفری وجود ندارد و زوج فقط می‌تواند از طریق مدنی و با مراجعه به دادگاه و اثبات ملائت زوج حق خود را استیفا کند. و از آن جا که اثبات ملائت یک امر قضایی است و اصولاً به رسیدگی دادگاه نیاز دارد، ممکن است گفته شود اجرای ثبت در مورد اسناد رسمی ازدواج که مهر زاید بر ۱۱۰ سکه در آن قید نشده است، نمی‌تواند بدون حکم دادگاه اجراییه صادر کند. اما نظر قوی آن است که ماده ۲۲ قانون جدید صدور اجراییه ثبتی را نفی نکرده و معرفی مالی از سوی بستانکار و توقیف آن توسط اجرای ثبت دلیل بر ملائت زوج است و ملائت همیشه نیاز به رسیدگی قضایی ندارد. پس ماده ۲۲ مانع از صدور اجراییه به درخواست زن و وصول مهر از طریق توقیف مال مدیون نیست. این نکته را می‌توان اضافه کرد که ماده ۲۲ قانون جدید

ضمانت اجرای کیفری عدم تأدیه مهر را نسبت به مازاد بر ۱۱۰ سکه حذف نکرده، بلکه فقط آن را به اثبات ملائت زوج مشروط نموده است؛ در پاسخ می‌توان گفت این نظر با ظاهر ماده ۲۲ سازگار نیست؛ زیرا این ماده فقط مهریه تا ۱۱۰ سکه را مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که متضمن ضمانت اجرای حبس است، دانسته است و از آن چنین بر می‌آید که مازاد بر این مقدار مجازات حبس ندارد و زوج فقط با توقیف و فروش اموال مدیون بر طبق مقررات اجرای احکام یا اسناد لازم الاجرا، می‌تواند طلب خود را استیفا کند. با وجود این، بهتر بود قانون‌گذاری برای رفع ابهام و جلوگیری از اختلاف به این نکته تصریح می‌کرد (مامی و صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲-۱۶۳). در ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی حرف معسر بودن یا نبودن به میان آمده است. در ازدواج که نوعی قرارداد است، در صورتی که اعسار زوج ثابت شود، دادگاه او را به پرداخت اقساطی مهریه الزام می‌کند و در صورتی که درخواست اعسار ندهد و یا از دادن مهریه امتناع ورزد در این صورت به درخواست زوج حبس می‌شود. اکثر حقوق دانان بر این عقیده هستند که قانون‌گذار با ظرافت خاصی گفته است که مهریه تا ۱۱۰ سکه عندالمطالبه است و بیشتر از آن براساس ملائت زوج ثابت می‌شود و یا به گونه‌ای عند الاستطاعه است. مهریه که پشتوانه‌ای برای زن است، باید او برای به دست آوردنش به دنبال اثبات دارا بودن زوج باشد. در نظرات شورای نگهبان پیرامون ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده طرفداران عدم مغایرت این ماده با شرع، با توجه به مهریه‌های سنگین، و بدون حساب در جامعه، معتقد بودند که در راستای جلوگیری از تعیین این مهریه‌ها، صرفاً حمایت ابتدایی خود را از تعداد بیشتر از ۱۱۰ سکه برداشته است. و با توجه به این که در دیونی این چنینی به خصوص در مورد جوانان، اصل بر عدم ملائت و دارایی زوج به پرداخت این دین به زوج است، قانونگذار حمایت کیفری خویش را در بیش از این میزان، منوط به اثبات ملائت زوج کرده است. لذا این ماده مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد و حتی در خصوص سایر افراد مدیون نیز، در صورتی که نسبت به سابقه ملائت یا اعسار آنان، علم وجود نداشته باشد اصل بر عدم ملائت است و نباید اقدام به حبس آنان کرد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

عندالمطالبه بودن مهر یا عندالاستطاعه

یکی از موضوعات مهمی که امروزه در محاکم قضایی رواج دارد، پرداخت مهریه از سوی مرد به زن است که عندالمطالبه می‌باشد. نص صریح قرآن^۱ بر این مبناست که هرگاه مردی زنی را به عقد خویش در آورد، باید به او مهریه پرداخت کند. وقتی که مهریه عندالمطالبه باشد، پرداخت مالی آن بر عهده زوج است. به عبارت دیگر به مجرد این که عقد ازدواج محقق شد، زن مالک مهریه می‌شود و مهریه دینی است به گردن مرد که عندالمطالبه باید به همسرش بپردازد/خراسانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۱). اما در صورت عندالاستطاعه بودن مهریه، این زن است که باید تلاش کند تا داشتن استطاعت مالی همسر خود را به اثبات برساند که معمولاً هم به دلیل حمایت قانونی از مردان و راهکارهای غیر قانونی که در عرف رایج است، مردها به راحتی استطاعت خود را انکار کرده، یا مخفی می‌کنند و هیچ‌گاه زنان نمی‌توانند استطاعت مالی آنان را به اثبات برسانند. می‌توان گفت این همان مازاد بر ۱۱۰ سکه‌ای است که در ماده ۲۲ قانون حمایت جدید تصویب شده است که اگر زن بیشتر از آنچه در ماده آمده است، مهر تعیین کند، خودش باید به دنبال وصول مهریه خود باشد که نتیجه آن هم کاملاً به نفع مردان تمام می‌شود؛ زیرا با مشکلاتی که در جهت ادامه راه دریافت مهریه وجود دارد و همچنین رفتن به دادگاه‌ها، داشتن وکیل و هزینه‌های متعارف آن و همچنین بسیاری از مشکلات دیگر، زنان را از اثبات استطاعت زوج خود پشیمان کرده، از میانه راه بر می‌گرداند. مردان به تجربه دریافته‌اند که با کمی فشار و اصرار می‌توانند به هدف خود برسند و زنان ما به دلیل نداشتن پشتوانه محکم قانونی و عدم حمایت از سوی مراجع معتبر نمی‌توانند حق خود را به دست آورند و همیشه تسلیم نظر مردان خواهند بود. کسانی که مدعی هستند مهریه باید عندالاستطاعه باشد، با این کار توجه را محدود کرده، دست او را از رسیدن به حقتش کوتاه می‌کنند. در حالی که چنین کاری منطبق بر فقه و حقوق نیست و مجوز شرعی ندارد. گفته می‌شود انجام چنین کاری

۱- وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (نساء، ۴).

۲- وَآتَيْتُمْ إِخْدَانَكُمْ قِطَارًا (نساء، ۲۰).

با اجبار نبوده، با توافق طرفین و رضایت زوجه می‌باشد. در حالی که این تصمیم باعث می‌شود مردها این کار اختیاری را دستاویز قرار داده، زوجه را تحت فشار قرار دهند و یا به دلیل ناآگاهی، زنان زیر بار این تصمیم ناعادلانه رفته، عندالاستطاعه بودن مهر را بپذیرند؛ در حالی که از عواقب آن نا آگاه هستند. در حقیقت چنین تصمیمی یعنی پرداخت نکردن ۹۹ درصدی مهریه. در عندالمطالبه معنای عندالاستطاعه نهفته است و نیازی نیست که به شکل قانونی درآید؛ زیرا زوج با ثابت کردن اعسار خود می‌تواند از پرداخت مهریه سرباز زند و قانون هم از وی می‌پذیرد و شرایط و تسهیلاتی را برایش فراهم می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ۱۵۸-۱۵۹). همان طور که در این ماده آمده است، فقط در صورتی که مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد، ملائت زوج ملاک است. باتوجه به چگونگی این ماده می‌توان فهمید قسمتی از مهریه عندالمطالبه و قسمتی عندالاستطاعه است. اکثر فقهای امامیه پرداخت مهر به صورت مؤجل را خاص عقد نکاح منقطع دانسته‌اند. به هر صورت، مرد وظیفه دارد مهر را به زن تسلیم کند و تا زمانی که به این تکلیف عمل نکرده، ضامن عیب و تلف آن است (باباخانی، ۱۳۷۷، ص ۶۶).

عبارت «عندالاستطاعه» از قدیم در قباله‌های نکاح به عنوان شرط درج گردیده است. در عرف شایع حقوق‌دانان نیز عبارت مزبور در قالب شرط ضمن نکاح یا شرط ضمن مهریه طرح می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۵۸). درج این قید باعث می‌شود مطالبه مهر توسط زن تا زمان توانایی مرد بر پرداخت آن به تأخیر افتد. بر این اساس زن حق ندارد پیش از تحقق توانایی، مطالبه مهر نماید؛ مقصود شایع نیز همین مورد است (سعیدی و وهابی زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳). عندالاستطاعه بودن مهریه به حکم قانون قابل تحقق نیست. بلکه بر اثر توافق و شرط ضمن عقد امکان‌پذیر است. زوجین آزادند که مهریه نکاح را عندالاستطاعه کنند و دخالت قانونگذار در این امور چون برخلاف حاکمیت اراده در قراردادهاست و به اصل آزادی قراردادی آسیب می‌رساند، دخالتی نا به جا و برخلاف قواعد حقوقی است. در این خصوص باید گفت همه ۱۱۰ سکه ضمانت اجرا دارد؛ اما قانون درباره محکومیت‌های مالی پیش بینی کرده است که هر کس از عهده تعهد خود برنیاید، می‌تواند طبق ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی تقاضای زندان کردن مدیون یا متعهد را داشته باشد. در بخشنامه جدید برای دریافت مهریه تا ۱۱۰ سکه قابلیت حبس وجود دارد؛ ولی بیشتر از آن زوج قابل حبس نیست؛ یعنی اگر همسر

مردی ۵۰۰ سکه از او طلب دارد و آن را مطالبه می‌کند، به این میزان سکه محکوم می‌شود. برای سطوح اجرایی ۵۰۰ سکه هم صدور اجراییه می‌کند؛ ولی اگر ۱۱۰ سکه را پرداخت نکند و اعسار هم نگیرد یا اعسار آن رد شود، مجازات حبس اعمال خواهد شد. اگر بخواید برای بیشتر از ۱۱۰ سکه اعمال ماده ۲ کند طبق این بخشنامه این کار امکان ندارد. پس شخص حق مطالبه دارد، دادگاه هم محکوم می‌کند، اجراییه هم صادر می‌شود، مال هم از مدیون توقیف می‌شود؛ ولی اگر نداشت و اعسار وی هم پذیرفته نشد تا میزان ۱۱۰ سکه قابلیت حبس دارد و برای بیشتر از آن قابلیت حبس وجود ندارد. به عبارت ساده تر تا ۱۱۰ سکه را اگر مدیون اعسار نگیرد، حکم زندان علیه وی صادر می‌شود و این بدان معنا نیست که ۱۱۰ سکه عندالمطالبه است و بقیه مهریه عندالاستطاعه است.

اطلاع رسانی در مطبوعات متأسفانه در مورد این موضوع بد است؛ مردم عادی فکر می‌کنند که سکه باید تا ۱۱۰ عدد باشد و اگر از ۱۱۰ سکه بیشتر باشد، قابل وصول نیست؛ یا از ۱۱۰ سکه به بالا عندالاستطاعه است، یا از ۱۱۰ سکه به بالا قابلیت اجرا ندارد؛ اصلاً چنین چیزی نیست؛ هر میزان مهر قابل مطالبه است؛ اما اگر زوج مالی نداشت و اعسار هم نگرفت تا ۱۱۰ سکه قابل حبس است و اگر ۱۱۰ سکه را پرداخت، دیگر نمی‌توان او را حبس کرد. دکتر حسن صفار با اشاره به اینکه اعمال مجازات زندان جزء وظایف ذاتی حاکمیت است و اعمال و عدم اعمال آن در شرایط مختلف را براساس مصالح جامعه می‌تواند مشخص کند، تصریح می‌کند که براین اساس، حکم این بخشنامه رئیس قوه قضاییه حکمی قانونی و کاملاً منطقی است.^۱

مطالبه مهریه و اجرای حکم بر اساس ماده ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده

مطالبه مهریه و نحوه اجرای حکم مربوط به آن در قانون جدید حمایت از خانواده دچار تغییر و تحول بزرگی شده است. طبق ماده ۲۲ قانون جدید حمایت خانواده: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن

مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.

در نظریه مشورتی شماره ۱۶ اداره حقوقی قوه قضاییه مورخ ۹۲/۳/۲۶ نیز آمده است: «برابر ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ وصول مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است؛ در نتیجه چنانچه زوج علی‌رغم ملائت، از پرداخت آن خودداری نماید، به درخواست زوجه حبس می‌شود و نسبت به مازاد بر این مقدار، این مقررات قابل اعمال نخواهد بود؛ اما این امر مانع نخواهد بود که زوجه نسبت به مازاد ۱۱۰ سکه مهریه اموال زوج را از طریق معرفی به اجرای احکام توقیف و استیفاء نماید؛ اما به‌طور کلی در مورد تعهد به پرداخت مهریه به هر میزان در فرض عدم اطلاع از افسار یا ايسار زوج، اصل بر افسار است و خلاف آن نیاز به اثبات دارد». پس نتیجه این شد که اکنون بر اساس قانون جدید خانواده، برای نپرداختن مهریه بیش از ۱۱۰ سکه، مرد بازداشت نمی‌شود. همچنین با توجه به قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که چندی پیش ابلاغ شد، حبس مرد برای این میزان نیز ملغی شده است (رنجبر، ۱۳۹۳، ص ۴).

مجازات حبس برای مهریه در قانون جدید

با تصویب قانون حمایت خانواده اسفند ۱۳۹۱، مقررات و قواعد جدیدی بر حقوق زوجین در نظام حقوقی ایران وضع شد که تا حد قابل توجهی با مقررات سابق بر آن متفاوت به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین تغییرات در قانون پیش گفته، در باب «مهریه» و ضمانت اجرایی ناشی از آن است. در حقیقت، با تقنین ماده ۲۲ قانون جدید، ضمانت اجرای حبس، برای عدم پرداخت دین مالی (ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی) در مورد مهریه فقط تا سقف ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن اجرا خواهد شد. نسبت به مازاد، قانونگذار، اثبات ملائت زوج را شرط مطالبه مهریه از سوی زوجه قرار داده است. در این باره، ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده جدید مقرر می‌دارد: «هرگاه مهریه در زمان وقوع

عقد تا ۱۱۰ سکه تمام بهارآزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است». از سویی دیگر به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، در صورتی که ثابت شود، مدیون تمکن پرداخت دین را ندارد و معسر محسوب شود، حبس نخواهد شد. در جمع ماده ۲۲ قانون جدید حمایت از خانواده و مواد ۲ و ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و از سویی دیگر اثبات اعسار یا عدم اعسار زوج در این فقره، درباره عدم پرداخت مهریه و ضمانت اجرای آن، چند فرض قابل تصور است که آثار هر کدام مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- فرض اول این است که مهریه مقرر بین زوجین تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا کمتر تعیین شده است؛ در این صورت اگر زوج مهریه را پرداخت نکند، طبق ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده ناظر بر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی پس از الزام به درخواست زوج حبس می‌شود؛ مگر این که اعسار وی برابر با ماده ۳ همان قانون ثابت شود که در این صورت زوج از حبس آزاد خواهد شد.

چنانچه دادگاه احراز کند که زوج تمکن پرداخت اقساطی را دارد، دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط مهریه را صادر خواهد کرد.

۲- فرض دوم این است که مهریه زوج به بالای ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن تعیین شده است و زوج مهریه را فقط تا ۱۱۰ سکه پرداخت کند. در این صورت، برابر با شق اول ماده ۲۲، ق. ح. خ، زوج نسبت به مازاد حبس نمی‌شود؛ مگر این که زوج به دلایلی که در دست دارد، اثبات کند که زوج تمکن پرداخت بالای ۱۱۰ سکه را دارد و با این حال پرداخت نمی‌کند؛ در این صورت نسبت به مازاد هم حبس می‌شود.

۳- فرض سوم این است که مهریه زوج به بالای ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن قرار داده شده است و زوج هیچ مبلغی را از بابت مهریه پرداخت نکرده است؛ در این فرض دو احتمال وجود دارد. احتمال اول این که، زوج توانسته است برابر با ماده ۳ ق. ن. ا. م. م، اعسار خود را اثبات کند؛ در این صورت زوج حبس نخواهد شد. احتمال دوم این که، زوج

نتوانسته در نزد مرجع قضایی اعسار از پرداخت ۱۱۰ سکه یا کمتر را ثابت کند که در این فرض، برابر با ماده ۲ ق. ن. ا. م. م، حبس می‌شود تا دین خود را بپردازد. اضافه می‌شود، پس از حبس زوج به سبب عدم پرداخت مهریه بالای ۱۱۰ سکه (مثلاً ۲۰۰۰ سکه)، در صورتی که ۱۱۰ سکه از مهریه مقرر، توسط زوج یا هر شخص ثالثی از طرف مشارالیه به زوج پرداخت شود، زوج آزاد خواهد شد.

با ابلاغ بخش نامه مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ از سوی رئیس قوه قضاییه، که موجب اصلاح بند ج ماده ۱۸ آیین‌نامه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی شد، ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده عملاً کارایی خود را از دست داده است؛ زیرا روشن است که با اجرای بخش نامه مذکور هر دو قسمت ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مشمول حکم واحدی قرار می‌گیرد که به موجب آن حبس مدیون (زوج) در هر حال، منوط به اثبات تمکن وی خواهد بود (شکری، ۱۳۹۲، ۱۳۹۲).

تعیین مهریه‌های سنگین بهانه و دستاویز برای عدم احقاق آن

مهریه‌های سنگین عواقب ناخوشایندی بر حال مردان در زندگی زناشویی می‌گذارد؛ اما باید از این نکته غافل شد که نص صریح قرآن بر این مبتنی است که مهریه حد نصاب نداشته باشد و بتواند سنگین هم باشد. با توجه به کلمه «قنطار» در آیه ۲۰ سوره نسا مشخص می‌گردد که مهریه تضمینی برای رفاه حال زن و تأمین اقتصادی اوست و با پرداخت مهریه آینده اقتصادی زنان تأمین گردد؛ البته هدف این نیست و با توجه به این نکته که در همه جوامع به خصوص جامعه ما، محدودیت زیادی برای فعالیت اقتصادی زنان وجود دارد و آزادی مردان را زنان هیچگاه نداشته‌اند و امیدی هم به داشتن آن نیست، و به ظاهر برای تعیین مهر سنگین منعی وجود ندارد، ولی نظر دین مبین اسلام بر آسان‌گیری و رعایت حد اعتدال در مهر بوده است؛ چیزی که به تعبیری خشنودی خدا را به دنبال دارد. بزرگان دین مکرراً برای تسهیل ازدواج سفارش کرده‌اند که در مورد مهر و صداق سختگیری نشود. مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است. کم خرجی از برکت زن و سنگینی مخارج از سوی اوست. امام صادق (ع) می‌فرماید: مهرها را سنگین نگیرید، مهر و

محبت را باید خداوند فراهم آورد، پول و مال، عشق و محبت نمی‌آورد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: زنی نیست که مهر سنگین بر عهده شوهر بگذارد؛ مگر این که خداوند زنجیرهای آتش بر گردن او گذارد». رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند «بهترین زنان امت من زنی است که زیباییش بیشتر و صداقتش کمتر باشد» (اصفهانی، ۱۴۱۰ هـ ج ۱۳، ص ۳۴۷). در هر حال مهرهای بسیار سنگین عملاً علاوه بر این که سدی در راه تشکیل خانواده و تأخیر در انجام ازدواج بوده است نتوانسته اثر مطلوبی در جلوگیری از جدایی زوجین داشته باشد و به طور کلی مهرهای سنگین مشکلاتی از این قبیل به دنبال داشته است (اصفهانی، ۱۴۱۰ هـ ج ۱۳، ص ۳۴۰). در ماده جدید از این نظر می‌توان نگاه کرد که از تعیین مهریه‌های سنگین جلوگیری کرده است.

اعسار زوج در پرداخت مهریه

اعسار به معنای دشواری، شدت و تنگدستی و در اصطلاح فقهی، ناتوان شدن مدیون از ادای دین خود بر اثر تنگدستی است (مصطفوی، ۱۴۰۲ هـ ص ۱۲۵-۱۲۶). همان طور که گفتیم، گاهی مهریه حال است، اما به دلیل اعسار زوج و به درخواست او از دادگاه یا ثبت، مهلت عادلانه یا قرار اقساط گذاشته می‌شود؛ که نباید مهریه را مؤجل دانست. زیرا اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌شود، حاکی از اراده او بر سقوط حق حبس نیست. فقر و اعسار شوهر حق حبس را از بین نمی‌برد. درست است که در این حالت امکان مطالبه مهر وجود ندارد، اما حق حبس زن با امکان گرفتن مهر ملازمه ندارد؛ بنابراین زن با وجود اعسار شوهر نیز حق حبس دارد. ماده ۱۰۸۵ ق. م. هم از این حیث اطلاق دارد و تفاوتی بین شوهر غنی و معسر نگذاشته است. فقها نیز بر این عقیده‌اند (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ ج ۱، ص ۴۲)، تنها ابن ادریس بر آن است که چون زن نمی‌تواند از شوهر معسر مهر خود را مطالبه بنماید، پس حق امتناع هم ندارد (صفار، ۱۳۹۰، ص ۶۰-۶۱). صاحب جواهر گفته ابن ادریس را ضعیف دانسته، می‌گوید: اعسار حق مطالبه را ساقط می‌کند، ولی مسقط حق حبس نمی‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۱، ص ۴۳). در صورت اعسار زوج دادگاه حکم به تقسیط مهریه می‌کند به این صورت: شخص یک استشهادیه‌ای تهیه می‌کند مبنی بر این که توانایی ندارد مهریه را

به صورت یکجا بپردازد. پس از تهیه این استشهادیه حداقل از چهار نفر امضا می‌گیرند و این چهار نفر باید در دادگاه حاضر شوند و شهادت دهند که وی هیچ گونه مالی اعم از منقول و غیرمنقول ندارد تا بتواند با فروش آن مهریه را بپردازد. شهود باید از تمام زندگی او خبر داشته باشند و در حد امکان با او رفت و آمد داشته باشند. پس از آن زوج باید آن طور که دادگاه برایش تعیین کرده، بپردازد و توجه می‌تواند با اجرای ماده ۳ قانون اجرای محکومیت های مالی، او را جلب نماید.

حق حبس

طبق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده زوج می‌تواند تا قبل از دریافت مهریه خود از وظایف زناشویی امتناع کند؛ به عبارت دیگر حق حبس دارد. حق حبس، اصطلاح فقهی و حقوقی است به معنای حق خودداری یک طرف عقد از اجرای تعهد خود تا طرف دیگر به اجرای تعهد خویش اقدام نماید. در فقه و حقوق به انگیزه تعدیل و تنظیم روابط دوسویه یک تعهد و نیز مقرر داشتن نوعی ضمانت اجرا در صورت امتناع یک طرف از اجرای تعهد خود، حق حبس در قراردادهای معوض منظور شده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۰). در منابع فقهی و حقوقی گاهی به جای این اصطلاح از تعبیر احتباس (زرقاء، ۱۴۲۰ هـ ص ۴۸)، حق امتناع (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ هـ ج ۵، ۳۷۰) و از این قبیل استفاده شده است. در قوانین ایران، تعبیر حق حبس فقط در ماده ۳۷۱ قانون تجارت آمده و در سایر قوانین، تعبیرات دیگری به کار رفته است؛ مانند خودداری از تسلیم مبیع یا ثمن، امتناع از ایفای وظایف زناشویی، امتناع از تسلیم مال التجاره و امتناع از اجرای تعهد (مواد ۳۷۷، ۳۸۰ و ۱۰۸۵؛ عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۰، ش ۵۴، ص ۶). صاحب جامع الشکات در ناشزه نبودن چنین زنی، استناد می‌نماید از آنجا که چنین رخصتی این منع، از شرع رسیده است، لذا مسقط نفقه نمی‌باشد (مازندرانی، ۱۴۱۸ هـ ج ۴، ص ۳۶۱).

قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۰۸۵ بر این حق صحه نهاده، مقرر می‌دارد: زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند (مامی، بی تا، ج ۱، ۱۵۶). سؤالی که مطرح است این است که آیا حق حبس در نکاح طرفینی است؟ یعنی زن و مرد چنین حقی دارند؟ یا این که این حق اختصاص به زوج دارد و شوهر حق حبس ندارد

و به عبارت ساده این تنها زن است که می‌تواند تمکین خود را منوط به پرداخت مهر نماید شوهر حق ندارد با امتناع از پرداخت مهر تمکین همسرش را خواستار باشد. با این که ماده ۱۰۸۵ به صراحت دلالت بر این امر دارد که تنها زن حق امتناع دارد، پاره‌ای بر طرفینی بودن حق حبس اشاره دارند (مازندرانی، ۱۴۱۸ هـ.ج.ع، ص ۲۶). این عقیده با توجه به وجود فتاوی پاره‌ای فقها مبنی بر این که شوهر باید قبلاً مهر پرداخت کند، و با عنایت به روایاتی که می‌گوید شوهر نباید با همسرش نزدیکی نماید، مگر آنکه قبلاً چیزی به او داده باشد، مردود است. فقها نیز در صورت امتناع مرد از پرداخت مهر و منوط کردن آن به تمکین زن، وی را به دادن مهر مجبور می‌سازند. صاحب جواهر نیز گفته است: بعید نیست که حق حبس در نکاح که یک معاوضه حقیقی نیست، خاص زن باشد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ج.ع، ص ۲۱). بنابراین باید حق حبس را یک قاعده استثنایی دانست که برای حمایت از حقوق زن پیش‌بینی شده، و نمی‌توان آن را برای شوهر شناخت. بعضی از فقها (مامقانی، ۱۳۴۴، ص ۲۷۲) پیش‌تر از این رفته و معتقدند که اساساً چنین حقی در نکاح که یک قرار داد شخصی است نه مالی و معوض وجود ندارد و زن و مرد را مکلف به ادای وظایف زوجیت و منع گروکشی دانسته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد این عقیده نمی‌تواند حق زن را در تضمین مهر حفظ نماید؛ زیرا در جایی که شوهر پرداخت مهر را به تمکین منوط سازد، شوهر اجبار می‌گردد که مهر را قبلاً به زن پرداخت نماید؛ زیرا خسارت مال را می‌توان جبران کرد، اما خسارتی که به زن وارد می‌شود قابل جبران نیست. به تعبیری خسارت مالی بر خلاف خسارت غیر مالی (بضع) قابل جبران نیست (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ج.ع، ص ۴۲). به همین جهت حق حبس برای شوهر وجود ندارد و تصریح به آن در مواد قانونی مانع برداشت‌های متفاوت است (صفر، ۱۳۹۰، ص ۵۷۵).

وجود حق حبس زوجه

سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که آیا با وجود اعسار زوج، حق حبس زوجه باقی است؟ آیا می‌تواند از وظایف زناشویی خود دست بکشد تا مهریه را به طور کامل دریافت کند؟ با توجه به توضیحاتی که در بالا گفتیم، اینجا در ارتباط با حق حبس بیشتر توضیح می‌دهیم:

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی مسقط گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر این که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط نفقه نخواهد بود». و همچنین ماده ۱۰۸۶ همین قانون بر این نظر است که: «اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود، دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند و حقی که برای مطالبه مهر دارد، ساقط نخواهد شد» (مدنی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۹). فقها بر این مسأله اتفاق نظر دارند، زنی که همسرش با او نزدیکی نکرده است، می‌تواند قبل از دریافت مهر از مباشرت امتناع نماید؛ زیرا اگر زن حق امتناع نداشته باشد، موجب عسر و حرج و ظلم و ضرر به زن می‌شود. شیخ مفید در مقنعه و شیخ طوسی در مبسوط اعتقاد دارند که تمکین زن قبل از دریافت مهریه مانع عدم تمکین بعدی او نیست و می‌تواند تمکین را مشروط به دریافت مهر کند. اما مشهور فقهای امامیه معتقدند در این صورت حق حبس او ساقط می‌شود و نمی‌تواند به علت عدم دریافت مهر از وظایف زناشویی خودداری کند (مامی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶۹).

برای این که زوج بتواند از حق حبس خود استفاده کند، باید شرایط فراهم باشد. اولین شرط این است که مهریه باید حال باشد یا به نوعی عندالمطالبه باشد و زمان مشخصی برای آن معین نشده باشد. اگر مهریه مدت‌دار باشد، زمانی زوج حق مطالبه آن را دارد که مدت سپری شود. در اینجا زوج مجاز است که ایفای وظایف زناشویی را از زوجه طلب کند؛ زوجه نمی‌تواند از حق حبس خود استفاده کند. اگر شوهر وضعیت مالی مناسبی نداشته باشد و دادگاه این را به رسمیت بشناسد، برای پرداخت مهریه اقساط تعیین می‌کند. اعسار شوهر حق حبس زن را از بین نمی‌برد؛ زیرا درست است که در چنین حالتی مطالبه مهر از او امکان ندارد، ولی باید دانست که امکان گرفتن مهریه با استفاده از حق حبس ارتباط مستقیمی ندارد. همچنین در موردی که دادگاه به درخواست شوهر و به دلیل اعسار به او مهلت دهد، نباید تصور کرد مهریه مدت‌دار شده است؛ چون مدتی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌شود، حاکی از اراده او بر سقوط نیست.

حق حبس در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده

مبنای حق حبس این است که نکاح در فقه اسلامی یک عقد معاوضی، یا شبه معاوضی به شمار آمده و در معاوضات، هریک از طرفین می‌توانند از انجام وظایف خود امتناع ورزند (ماده ۳۳۷ق.م). اگر نکاح یک عقد معاوضی باشد، چنانچه بعضی از فقهای امامیه گفته‌اند، باید شوهر نیز حق حبس داشته باشد، یعنی بتواند از تسلیم مهر خودداری نماید، تا زن وظایف زناشویی خود را انجام دهد. حق حبس زوجه در حقوق امروز یک قاعده استثنایی است که به پیروی از فقه امامیه، برای حمایت از حقوق زن پیش‌بینی شده و قانون فقط آن را برای زن ذکر کرده است و نباید شوهر را در این زمینه به زن قیاس کرد/صفایی، امامی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۷). در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده استفاده از حق حبس این گونه است که اگر زن مهریه خود را ۱۱۰ سکه قرار دهد، نسبت به آن حق حبس دارد و می‌تواند تا زمان دریافت مهریه از وظایف خود امتناع کند؛ اما در صورتی که بیش از ۱۱۰ سکه باشد زن باز هم فقط نسبت به ۱۱۰ سکه حق حبس دارد و برای بیش از آن از لحاظ قانونی حقی برای او وجود ندارد؛ چه دارا بودن همسر خود را اثبات کند چه اثبات نکند. به خاطر این که زوجه خودش باید به دنبال اثبات مهریه خود باشد. در صورتی که بیشتر از ۱۱۰ سکه باشد، حق حبس فقط نسبت به ۱۱۰ سکه است.

ماده ۲۲ و تقسیط مهریه

طبق این ماده در صورتی که زوجه مهریه خود را در حد ۱۱۰ سکه یا کمتر از آن قرار دهد و زوج بتواند ادعای اعسار خود را اثبات کند، حبس نخواهد شد و دادگاه مهریه را قسط‌بندی می‌کند؛ ولی در صورتی که بعد از پرداختن چند قسط اول از پرداختن بقیه اقساط خودداری کند، باقی مانده مهریه حال می‌شود و باید یکجا پرداخت کند؛ اما در صورتی که مازاد بر ۱۱۰ سکه تعیین کرده باشد، در صورت اثبات دارا بودن زوج باید مهریه را پرداخت کند؛ اما در صورت عدم اثبات معسر بودن حبس می‌شود و در صورت پرداخت ۱۱۰ سکه آزاد می‌شود؛ زیرا قانون فقط در برابر این مقدار از مهریه مسؤلیت دارد.

مهریه در عرف امروزی

آن چه در مورد ماهیت مهریه بیان شد، با توجه به مبانی مطرح شده در دین و قانون بود؛ اما امروزه گاهی شاهد برخی مهریه‌های سنگین و غیر متعارف هستیم که ماهیتی متفاوت با مهریه در قانون و فلسفه وجودی آن در اسلام دارد. به نظر می‌رسد این نوع مهریه‌ها ربطی به صداق و مهر ندارد؛ بلکه حربه‌ای برای کم رنگ کردن و مقابله با حقوقی است که قانون به شوهر داده است. مهریه که در شرع و قانون به مجرد عقد به ملکیت زوجه در می‌آید و بر ذمه شوهر ثابت است و باید پرداخت شود، امروزه هنگام عقد پرداخت نمی‌شود. مبالغ بسیار زیاد آن‌ها پس از عقد و در دوران زوجیت و حتی گاهی پس از طلاق نیز قابل پرداخت نیست؛ بلکه به صورت یک وجه التزام سنگین در اختیار زوجه قرار می‌گیرد تا با استفاده از قدرت آن اعمال سلیقه و تهدید نماید. متأسفانه در برخی موارد مهریه تبدیل به وسیله‌ای برای خودنمایی و تفاخر شده است و روز به روز از حکم و علل جعل خود فاصله می‌گیرد.

برخی مهر را ابزاری دفاعی می‌دانند و علت آن را عدم تأمین اجتماعی مناسب برای بانوان و ضعف اخلاق عمومی می‌دانند (سعیدی، ۱۳۸۹، ش ۱۰۱، ص ۱۱۰). به هر شکل برای جلوگیری از رواج این گونه مهریه‌ها به نظر می‌رسد نیاز به آگاه سازی جامعه و تبلیغات در این مورد و تبعات مخرب این گونه مهریه‌هاست. اگر مهریه را به مثابه یک قرارداد مستقل بدانیم، بر اساس اصول کلی قراردادها، شرط مقدورالتسلیم بودن از آثار این قرارداد خواهد بود که می‌تواند مانعی برای این گونه مهریه‌ها باشد. به نظر می‌رسد در صورتی که مهریه به میزانی تعیین شود که بدواً مبین ناتوانی زوج باشد و بعداً هم چنین تمکنی ایجاد نشود، مهر به مهرالمثل منصرف خواهد شد. در استقرای ناقصی که روی مراجعان دادگاه خانواده در تهران، انجام شده تنها ۱٪ از دادخواست‌هایی که موضوع آن مطالبه مهریه بود و حکم به تأدیه تمامی آن به صورت یک جا شده بود، قابلیت اجرا پیدا کرده بود و بقیه دادخواست‌ها با ارائه دادخواست اعسار از تأدیه کل و درخواست تقسیط مواجه شده بودند که عمدتاً نیز حکم اعسار زوج صادر و مآلاً مهریه تقسیط شده بود (روشن، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰-۱۲۱). در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده تصویب شده در سال ۱۳۹۱ با تعیین سقف برای مهریه سعی بر این شده تا

از افزایش مهریه جلوگیری شود و البته این طور می‌شود بیان کرد که زوجه را به تعیین مهریه محدود کرده است. می‌توان گفت چنین ماده‌ای برای جلوگیری از زندان رفتن زوج است.

یافته‌های پژوهش

مهریه یکی از انواع حقوق مالی زوجه است که میزانی برای آن تعیین نشده است. البته باید به گونه‌ای باشد که زوج قادر به پرداخت آن باشد و همچنین قابل ملکیت باشد.

۱- در قوانین مختلف خانواده که مختص اعضای خانواده است، آنچنان که باید به مهریه پرداخته نشده بود؛ اما در قانون جدید ماده‌ای به طور اختصاصی وضع شده است که این گونه می‌توان نتیجه گرفت که برای مهریه سقف تعیین شده است.

۲- قانون جدید حمایت خانواده در سال ۹۱ به گونه‌ای است که برای مهریه تعیین سقف شده است که زن اگر بیشتر از ۱۱۰ سکه را مهریه خود قرار دهد، برای به دست آوردن آن خودش باید به دنبال اثبات دارایی مرد باشد؛ یعنی این ماده ملائت زوج را ملاک قرار داده است. پس زمان زیادی صرف این کار می‌شود.

۳- البته نمی‌توان گفت این ماده نوعی مخالفت با شرع است، به این علت که برای مهریه تعیین مقدار کرده است؛ ولی می‌توان آن را نوعی نوآوری به حساب آورد.

۴- در ادامه این که ولی در صورت ثبوت اعسارش دادگاه برای زوج مهریه را تقسیط می‌کند و زوج باید آن را بپردازد و اگر زوج نتواند هر ماه و یا آن زمانی که دادگاه برایش تعیین کرده بپردازد، مهریه او حال می‌شود و باید باقی مانده آن را به طور کامل بپردازد. البته همان طور که گفتیم، ممکن است کمتر زانی بتوانند دارایی زوج را اثبات کنند.

منابع

قرآن کریم

- اباذری فومشی، منصور، نحوه رسیدگی به دعاوی خانوادگی در محاکم و دادرها (۱۳۸۶)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم
- اسماعیلی، مهناز، فلسفه مهریه از منظر فقه و حقوق (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم
- امامی، حسن، حقوق مدنی (بی تا)، تهران، انتشارات اسلامیة
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد، القضاء و الشهادات (۱۴۱۵هـ)، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، چاپ اول
- باباخانی، زرین، مهریه «حقوق خاص زوجه» (۱۳۷۷)، تهران، نشر رامین، اول
- پژوهشکده شورای نگهبان، قانون خانواده در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۳)، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ اول
- تهانوی، محمد بن علی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون (بی تا)، لبنان، مکتب لبنان، بی چا
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام (۱۴۱۳هـ)، قم، انتشارات معارف الاسلامیه
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه (۱۴۱۹هـ)، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- جعفری لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق (۱۳۸۷-۱۳۶۷)، تهران، گنج دانش، بی چا
- حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، ترجمه شرایع الاسلام (۱۴۰۸)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- خراسانی، علی محمدی، شرح تبصره المتعلمین (بی تا)، بی جا، بی نا
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه (۱۳۷۳)، تهران، دانشگاه تهران
- رجائیان، عالیه، مهریه حق زن تکلیف مرد (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات اندیشه ماندگار، اول
- رنجبر، زهرا، بررسی تطبیقی قوانین مهریه (۱۳۹۲)، تهران، پایگاه تحلیل خبری خانواده و زنان
- روشن، محمد، حقوق خانواده (۱۳۹۱)، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم

- زمخشری، محمودبن عمر، *الكشاف* (بی تا)، بیروت، دارالکتب العربی
سعدی، ابو جیب، *قاموس الفقی لغه و اصطلاحا* (۱۴۰۸هـ)، دمشق، دارالفکر، چاپ دوم
سعیدی، محمدعلی، «بررسی اعتبار حقوقی مهریه‌های سنگین» (۱۳۸۹)، *فصلنامه حقوقی و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۴۰، شماره ۱۰۱
سعیدی، محمدعلی، عباسعلی، وهابی زاده، *بررسی شرط عندالاستطاعه بودن مهریه* (۱۳۸۹)، تهران
شکری، فریده، «افزایش مهریه در نظام حقوقی ایران» (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، *دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده*، دوره ۱۶، شماره ۵۴
شکری، مهدی، *روزنامه قانون* (۱۳۹۲)، تهران
صفار، محمد جواد، *درس‌هایی از حقوق خانواده* (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
صفایی، حسین و اسدالله امامی، *حقوق خانواده «نکاح و انحلال آن»* (۱۳۷۰)، تهران، دانشگاه تهران، چاپ یازدهم
_____، *مختصر حقوق خانواده* (۱۳۹۳)، تهران، نشر میزان، چاپ ۳۸
طوسی، ابو جعفر محمدبن حسن، *تهذیب الاحکام* (۱۴۰۷هـ)، قم، دارالکتب الاسلامیه، چهارم
_____، *المبسوط* (۱۳۸۷)، تهران، مکتبه المرتضویه، چاپ سوم
عاملی، حر، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه* (۱۴۰۹هـ)، قم، آل‌البت علیهم‌السلام، چاپ اول
فهیمی، فاطمه، *زن و حقوق مالی* (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول
لطفی، اسدالله، *آیات الاحکام خانواده* (۱۳۸۹۰)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول
مجلسی، محمد باقربن محمد تقی، *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام* (۱۴۰۳هـ)، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ اول
محقق داماد، مصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده* (۱۳۸۶)، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، چاپ اول
محمدحلی، ابن ادریس، محمدبن منصور بن احمد، *النهایه* (۱۴۱۰هـ)، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم
مدنی، جلال‌الدین، *حقوق مدنی «حقوق خانواده»* (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات پایدار، چاپ اول

مشکینی، میرزا علی، *مصطلحات الفقه (بی تا)*، بی جا، بی نا

مصطفوی، حسن، *التحقیق (۱۴۰۲ هـ)*، تهران، مرکز کتاب للترجمه والنشر، چاپ اول

مطهری، مرتضی، *نظام زن در اسلام (۱۳۸۴)*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهل و یک

مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری، *المقنعه (۱۴۱۳ هـ)*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید،

چاپ اول

منتظری نجف آبادی، محمد حسین، *معارف و احکام بانوان (۱۴۲۷ هـ)*، قم، انتشارات مبارک،

چاپ دوم

موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله (۱۳۷۹)*، قم، انتشارات آثار امام خمینی

نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام (۱۴۰۴ هـ)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم

